

۱۰۶۷۵۳



جمهوری اسلامی ایران

دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

رساله کارشناسی ارشد

موضوع: تحول و سیاست اقتصادی در سیاست خارجی ایران و تاثیر

آن بر روابط ایران و آسیای مرکزی

تهیه کننده: مرتضی دامن پاک جامی

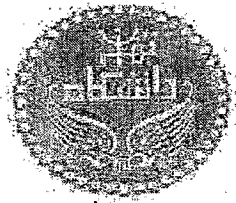
استاد راهنما: دکتر محمد شیرخانی

(شهریورماه ۱۳۸۷) - تهران

کتابخانه اسناد و کتابخانه مرکزی
دانشگاه تهران

۱۳۸۷ / ۱۷ / ۲۵

۱۰۰۶۵۳



دانشکده حقوق و علوم سیاسی
گروه آموزشی مطالعات منطقه ای
گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد : مرتضی دامن پاک جامی

در رشته : مطالعات منطقه ای : گرایش

با عنوان : تحول دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی ایران و تاثیر آن بر روابط با آسیای مرکزی

را در تاریخ : ۱۳۸۷/۶/۱۶

به عدد	به حروف
۱۹	نوزده

با نمره نهایی :

ارزیابی نمود .

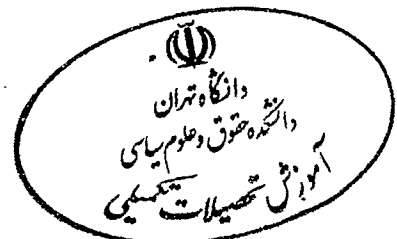
عالی

با درجه :

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبۀ دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد):	دکتر محمد شیرخانی	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر الهه کولایی	دانشیار	علوم پزشکی دانشگاه شهید بهشتی	
۳	استاد داور (یا استاد مشاور دوم)	دکتر سید داود آقایی	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۴	استاد مدعو	—	—	—	—
۵	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی :	دکتر الهه کولایی	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	

تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد .

الساد



بسمه تعالی

آغاز سخن

رساله حاضر به دنبال بررسی رفتار سیاست خارجی ایران در منطقه آسیای مرکزی طی سالهای پس از فروپاشی باتناکید
بروجه اقتصادی آن و پاسخ گویی به این سوال است که آیا ایران توانسته است از فرصت‌های اقتصادی بوجود آمده پس از
استقلال این کشورها، برای توسعه مناسبات سیاسی با آنان استفاده نماید؟ در میان مجموعه آثار و ادبیات موجود در منابع داخلی یا
خارجی - کمتر اثر علمی راجع به این موضوع وجود دارد که بطور خاص به دیپلماسی اقتصادی ایران در رابطه با آسیای مرکزی پرداخته و روند
تحوّلات در این زمینه را طی سالهای پس از استقلال جمهوری‌ها از زیبایی و تحلیل کرده باشد. لذا بنظر می‌رسد دیپلماسی اقتصادی و
تأثیر آن بر روابط ایران و کشورهای منطقه آسیای مرکزی، وجه ناشناخته سیاست خارجی ایران است که هنوز اثر درخور توجهی در
مورد آن منتشر نشده است.

نخازنده با این تقصیر در طول دوره کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای طی سالهای ۸۶-۱۳۸۵، بیشتر مواجه شد.
دوره دانشجویی، برای نخازنده فرصتی بود تا به اتکامی دودیده فعالیت و برخورد مستقیم و غیر مستقیم با مسائل اقتصادی و عملیاتی
منطقه‌ای در دستگاه سیاست خارجی، بیشتر عناوین تحقیقات و پژوهش‌های درسی خود را در ارتباط با این موضوع انتخاب نماید و
رساله کارشناسی ارشد خود را نیز در حوزه دیپلماسی اقتصادی و روابط ایران و آسیای مرکزی به رشته تحریر درآورد.

در انتخاب و انجام این پژوهش از راهنماییها و توصیه‌های مدیران و اساتید محترم گروه روابط بین الملل و گروه مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران بویژه جناب آقای دکتر شیرخانی بعنوان استاد راهنما و سرکار خانم دکتر کولایی بعنوان استاد مشاور بهره‌مند شده و از این بابت صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایم. از جناب آقای دکتر سراب شهبانی عضو هیات علمی دانشکده روابط بین الملل نیز که طرح اولیه رساله را مطالعه و کاستی‌ها را گوشزد نمودند تشکر می‌نمایم.

بعلاوه، لازم می‌دانم از کلمات و تلاشهای بی‌شائبه سرکار خانم جواهری که زحمت تایپ و صفحه‌آرایی رساله را بعهده داشته‌اند و سایر همکاری‌ها که مشورتها و نظرات آنان به انجام بهتر تحقیق کمک کرده است، تشکر نمایم. وبالآخره، نمی‌توانم بدون تشکر از همسر گرامی ام که در طول دوره دانشجویی و بویژه در ایام نگارش این رساله محیط خانه را برای انجام یک کار فکری و علمی کرم و صمیمی نگاه داشته و حتی در یادداشت برداری‌ها نیز به من کمک کرده است، این مقدمه را به پایان برسم.

مرتضی دامن‌پاک جامی
تهران، تیرماه ۱۳۸۷

به نام خدا

فهرست مطالب

صفحه

موضوع

9 مقدمه و طرح پژوهش
- بخش اول: آسیای مرکزی پس از فروپاشی و اهداف ایران
1 فصل اول: تحول در اهمیت و نقش دیپلماسی اقتصادی
1 1- واژه شناسی دیپلماسی
3 2- تعریف دیپلماسی
7 3- سیر تحول تاریخی دیپلماسی در چشم انداز کلان
8 3-1- دیپلماسی در دوران باستان
10 3-2- دیپلماسی قرون وسطی
11 3-3- دیپلماسی کلاسیک
12 3-4- دیپلماسی نوین
15 3-5- دیپلماسی دوران جنگ سرد
17 3-6- دیپلماسی هزاره سوم
21 4- جهانی شدن اقتصاد و دیپلماسی اقتصادی
25 5- دیپلماسی و سیاست خارجی در چشم انداز خرد
25 5-1- دیپلماسی در مقام تدوین سیاست خارجی
26 5-2- دیپلماسی در حکم ابزار اجرای سیاست خارجی
30 5-3- دیپلماسی اقتصادی و سیاست خارجی

۳۵	نتیجه‌گیری فصل اول.....
۳۷	فصل دوم: شرایط و تحولات سیاسی و اقتصادی جمهوریهای آسیای مرکزی پس از استقلال
۳۸	۱- تعاریف و حدود جغرافیایی و ویژگیهای مهم جغرافیای سیاسی و سوابق تاریخی
۴۱	۲- شرایط سیاسی و اقتصادی جمهوریها و چالش‌های پس از فروپاشی
۴۲	۲-۱- چالش‌های سیاسی- امنیتی.....
۴۵	۲-۲- چالش‌های ایدئولوژیکی- فرهنگی.....
۴۸	۲-۳- چالش‌های زیست محیطی.....
۵۱	۲-۴- چالش‌های اقتصادی.....
۵۲	۳- برنامه‌ها و فعالیتها برای توسعه اقتصادی در سطح منطقه.....
۵۳	۳-۱- توسعه همکاریهای تجاری و ترانزیت.....
۵۵	۳-۲- همگراییهای اقتصادی و حضور در ترتیبات منطقه‌ای.....
۵۸	۳-۳- همکاریهای انرژی.....
۶۳	۴- چشم‌انداز تحولات و اقدامات در روند توسعه اقتصادی.....
۶۸	نتیجه‌گیری فصل دوم.....
۷۰	فصل سوم: اهداف و سیاستهای ایران در آسیای مرکزی.....
۷۱	۱- تحلیل نظری عوامل تاثیرگذار بر رفتار سیاست خارجی ایران.....
۷۴	۲- سیر تحول در رفتار سیاست خارجی ایران.....
۷۶	۳- سیاستها و اهداف ایران در آسیای مرکزی در پرتو سیاست خارجی تحول‌گرا

۷۸۳-۱- فرصت‌ها و چالش‌های استراتژیک
۷۹۳-۲- اهداف سیاسی و امنیتی
۸۳۳-۳- اهداف فرهنگی- ایدئولوژیک
۸۷۳-۴- اهداف اقتصادی
۹۰ نتیجه‌گیری فصل سوم
- بخش دوم: دیپلماسی اقتصادی ایران در آسیای مرکزی
۹۲ فصل چهارم: سیر تحول دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی
	ایران
۹۴ ۱- عناصر اصلی اقتصادی تاثیرگذار در سیاست خارجی ایران؛ تحول در دستور کار دیپلماسی اقتصادی
۹۵ ۱-۱- ظرفیت‌سازی و برنامه‌ریزی از طریق کمیسیونهای مشترک اقتصادی...
۹۹ ۱-۲- تعامل با اقتصاد جهانی و دستیابی به بازارهای صادراتی
۱۰۵ ۱-۳- ایران و همکاریهای منطقه‌ای
۱۰۹ ۱-۴- دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران
۱۱۳ ۲- تحول در مبانی، الزامات و مسئولیتهای دیپلماسی اقتصادی ایران
۱۱۳ ۲-۱- ویژگیهای ژئوپلیتیک ایران و منطقه
۱۱۵ ۲-۲- شرایط و الزامات ملی و قانونی
۱۱۵ الف- سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور
۱۱۷ ب- سیاستهای کلی نظام و برنامه‌های توسعه کشور
۱۱۹ ج- قانون اساسی و قانون شرح وظایف وزارت امور خارجه
۱۲۱ ۲-۲- مبانی عرفی و بین‌المللی
۱۲۲ ۳- سیر تحول جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی

جمهوری اسلامی ایران

- ۱۲۲ ۱-۳- تحول در برنامه‌ها و اهداف؛ تحول نرم‌افزاری.....
- ۱۲۲ الف- دیپلماسی اقتصادی دوران قبل از انقلاب.....
- ۱۲۲ ب- دیپلماسی اقتصادی سالهای اولیه پیروزی انقلاب و دوران جنگ.....
- ۱۲۳ ج- دیپلماسی اقتصادی دوران سازندگی.....
- ۱۲۴ د- دیپلماسی اقتصادی دولت اصلاحات.....
- ۱۲۵ ه- دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی پیشدستانه دولت نهم.....
- ۱۲۸ و- دستاوردهای دیپلماسی اقتصادی دولت‌های پس از انقلاب.....
- ۱۳۰ ۲-۳- تحول در ساختار سازمانی و شرح وظایف وزارت امور خارجه در
زمینه دیپلماسی اقتصادی؛ تحول سخت‌افزاری
- ۱۳۱ الف- پیشینه تاریخی و دوران قبل از انقلاب اسلامی.....
- ۱۳۲ ب- سیر تحول ساختار، اهداف و وظایف وزارت امور خارجه جمهوری
اسلامی ایران
- ۱۳۶ نتیجه‌گیری فصل چهارم.....
- ۱۴۰ فصل پنجم: تحولات متاثر از دیپلماسی اقتصادی بر روابط ایران و
کشورهای آسیای مرکزی
- ۱۴۱ ۱- روابط با جمهوریها در دوران حاکمیت شوروی.....
- ۱۴۳ ۲- تحولات کلی روابط اقتصادی در سالهای پس از استقلال.....
- ۱۴۹ ۳- روابط دو جانبه اقتصادی با جمهوریها.....
- ۱۴۹ ۳-۱- روابط دو جانبه با ازبکستان.....
- ۱۵۲ ۳-۲- روابط دو جانبه با تاجیکستان.....
- ۱۵۴ ۳-۳- روابط دو جانبه با ترکمنستان.....

۱۵۸۳-۴- روابط دو جانبه با قزاقستان
۱۶۰۳-۵- روابط دو جانبه با قرقیزستان
۱۶۱۴- روابط اقتصادی منطقه‌ای ایران و آسیای مرکزی
۱۶۱۴-۱- سازمان همکاری اقتصادی (اگو)
۱۷۰۴-۲- همکاری بین کشورهای ساحلی خزر
۱۷۹۴-۳- همکاریها در زمینه انرژی
۱۸۸۴-۴- همکاریهای ترانزیت ایران و آسیای مرکزی
۱۹۰نتیجه‌گیری فصل پنجم
۱۹۲جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۲۰۶ضمائم
-کتابنامه

بسم تعالی

مقدمه و طرح مساله پژوهش:

منطقه پهناور آسیای مرکزی^۱ آنگونه که بانک جهانی و برخی از کارشناسان مسائل منطقه تعریف می‌کنند، در برگیرنده پنج جمهوری آسیای مرکزی، افغانستان و بخش‌هایی از ایران، پاکستان و چین می‌باشد. این منطقه همچنین از سوی تعدادی از قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مثل روسیه، ترکیه، عربستان و آمریکا احاطه شده و از اهمیت ژئوپلیتیکی فراوانی برای بازیگران مختلف برخوردار است.^۲ تاریخ آسیای مرکزی را می‌توان در چهار دوره قبل و بعد از اسلام، دوران حاکمیت شوروی و بعد از استقلال بررسی کرد. آنچه در این پژوهش مورد توجه قرار خواهد گرفت، همین مقطع اخیر، یعنی دوران استقلال است. واقعیت این است که فروپاشی اتحاد شوروی و ظهور کشورهای جدید در آسیای مرکزی و قفقاز، منشاء تغییر و تحولات گسترده‌ای در ساختار نظام بین‌الملل، نقش و کارویژه‌های دولت-ملت‌ها و معادلات منطقه‌ای اوراسیا بخصوص زیر سیستم خاورمیانه و آسیای مرکزی بوده است که ایران جزئی از آن محسوب می‌شود.

در این میان، بررسی تاثیر تحولات پس از فروپاشی بر رفتار سیاست خارجی ایران در حوزه‌های مختلف، حائز اهمیت فراوانی است. شواهد نشان می‌دهد که فروپاشی اتحاد شوروی آثار دوگانه‌ای بر جایگاه و منافع منطقه‌ای ایران داشته است. این رویداد از یک سو تهدیدات دویست‌ساله روسیه و اتحاد شوروی را نسبت به تمامیت ارضی ایران برطرف نمود و امکان ارتباط مستقیم با جمهوریهای مسلمان تازه استقلال یافته را - که در گذشته بخشی از حوزه تمدنی و فرهنگی ایران بوده‌اند - فراهم ساخت. از سوی دیگر، فروپاشی اتحاد شوروی و خلاء قدرت ایجاد شده، منجر به تشدید نفوذ آمریکا در منطقه و تبدیل آن به چالشی جدید برای اجرای سیاستهای منطقه‌ای ایران گردید.

1 - The Greater Central Asia.

2 - See, the World Bank Report Under the Title : "Economic Cooperation in Greater Central Asia", Presented to Kabul Conference on Regional Cooperation, December 2005, P1.

به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران و تحلیل‌گران مسائل منطقه، در شرایطی که جمهوریهای تازه استقلال یافته با مشکلات عدیده داخلی و خارجی مواجه بوده‌اند، اتخاذ یک سیاست خارجی مداخله‌جویانه از سوی ایران در قبال این کشورها به هر انگیزه‌ای، می‌توانست امنیت منطقه را دچار تزلزل نماید. اما پی‌گیری یک سیاست عمل‌گرا، تصویر دیگری از ایران انقلابی را در منطقه به نمایش گذاشت. در واقع، به دلیل قوی بودن پیوندها و علقه‌های تاریخی و فرهنگی، و نیاز شدید جمهوریهای آسیای مرکزی به توسعه روابط اقتصادی با همسایگان برای جبران کمبودها و آسیب‌های جدی ناشی از قطع کمکهای مسکو، اتخاذ یک سیاست واقع‌بینانه، فرصت مناسبی را برای گسترش روابط با این کشورها در تمامی زمینه‌ها در اختیار ایران گذاشت. این در شرایطی بود که ایران نیز به دلیل نیازهای بازسازی پس از جنگ و الزامات ناشی از برنامه‌های توسعه (پنج‌ساله)، نیازمند گسترش روابط اقتصادی با کشورهای مختلف بویژه همسایگان و دستیابی به بازارهای جدید برای صدور محصولات تولیدی و خدمات فنی و مهندسی خود و کسب درآمدهای ارزی با هدف کاهش اتکا به درآمدهای نفتی بود. در این صورت، چه بازاری دست‌نخورده‌تر و مستعدتر از کشورهای آسیای مرکزی می‌توانست به این نیاز پاسخ گوید؟

واقعیت این است که موقعیت برجسته جغرافیایی، منابع سرشار طبیعی، تجربیات بالا در زمینه خدمات فنی و مهندسی و نیروی انسانی جوان و ماهر، توان بالقوه‌ای را برای تبدیل شدن ایران به یک قدرت منطقه‌ای و محور ترانزیت کالا، خدمات و مسافر در منطقه در اختیار آن قرار داده است تا از این طریق جایگاه و سهم مناسبی را از اقتصاد و تجارت جهانی نصیب خود ساخته و از وابستگی شدید به درآمدهای نفتی رهایی یابد. سیر تحولات روابط ایران و کشورهای آسیای مرکزی در ۱۵ سال گذشته نشان می‌دهد که این روند اگر چه مطلوب و ایده‌آل نبوده و سیاست خارجی عمل‌گرای ایران در قبال این منطقه نتوانسته به اهداف مورد نظر - تبدیل شدن ایران به شریک اول اقتصادی این کشورها - دست یابد، اما دستاوردهای حاصله طی این سالها چندان هم دور از انتظار نبوده و موفقیت‌های نسبی حاصل گردیده است. بعنوان مثال، حجم مبادلات تجاری ایران و کشورهای آسیای مرکزی از رقم ناچیز چند میلیون دلاری در ابتدای دهه ۱۹۹۰ به حدود ۵۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۹۶ و ۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ رسید که بیانگر ۵/۵ درصد از کل

تجارت خارجی کشورهای آسیای مرکزی در این سال بود.^۱ همچنین، حجم طرحهای سرمایه‌گذاری مستقیم یا مشترک ایران در آسیای مرکزی که در سالهای اولیه پس از فروپاشی به یک میلیون دلار هم نمی‌رسید، امروز به بیش از ۱/۵ میلیارد دلار می‌رسد که بیشترین آن در ترکمنستان و تاجیکستان انجام شده است. از سوی دیگر، امروز کمیسیونهای مشترک اقتصادی ایزان و همه کشورهای آسیای مرکزی فعال بوده و هیاتهای متعدد سیاسی و اقتصادی بین طرفین مبادله می‌گردد. بعلاوه، اجرای طرحهای اقتصادی ایران در کشورهای منطقه، به صدور خدمات فنی و مهندسی در زمینه‌های مختلف نظیر احداث سد و نیروگاه، جاده‌های مواصلاتی، خطوط انتقال نیرو، خطوط لوله، شبکه‌های مخابراتی، ساخت مسکن، سیلوی گندم، فیبر نوری، صنایع نفت و گاز و نظایر آن منجر شده است.

وجه مهم دیگر روابط اقتصادی ایران و جمهوریهای آسیای مرکزی طی دوران پس از استقلال آنها، همکاریهای منطقه‌ای در قالب سازمان همکاری اقتصادی و همکاریها در حوزه خزر است. ایران در بهمن ماه سال ۱۳۷۱ با برگزاری اولین اجلاس سران اکو و دعوت از رهبران کشورهای مسلمان جدا شده از شوروی برای حضور در این اجلاس، نقش اصلی را در پیوستن آنها به اکو ایفا نمود. این چنین شد که اکو از یک نهاد منطقه‌ای کوچک و غیر فعال به سازمانی بزرگ با آرمانها و آرزوی فراوان برای تحکیم پیوندهای تاریخی و فرهنگی و ایجاد یک بلوک قدرتمند اقتصادی متشکل از ده کشور مسلمان منطقه تبدیل گردید. اکو در طول دوران ۱۵ ساله پس از افزایش اعضا، دوره‌های مختلف عملکردی توأم با فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده است: دوران تجدید ساختار (۹۶-۱۹۹۲)، دوران بسترسازی و نهادینه سازی همکاریها (۲۰۰۵-۱۹۹۷) و مرحله اجرایی شدن طرحها و موافقتنامه‌ها (۲۰۰۶ به بعد). اگر چه در طول این دوران، اکو نتوانست انتظارات اعضای جدید برای تسهیل گذار از اقتصاد متمرکز دولتی به اقتصاد آزاد و کاهش وابستگی‌های اقتصادی آنان به روسیه را برآورده سازد، اما همپوشانی منافع گوناگون و متنوع کشورهای منطقه و وجود پتانسیل‌های فراوان برای همگرایی منطقه‌ای، به‌مراه پیشرفت محسوس همکاریها در اکو طی سالهای اخیر، همچنان این سازمان را بمثابه ابزاری مهم در خدمت اهداف توسعه منطقه‌ای سرپا نگاه داشته و حفظ نموده است.

۱- نگاه کنید به گزارش سالانه اقتصادی اکو در سند زیر:

-Annual Economic Report of ECO for 2005, (Tehran: ECO Secretariat, July 2007), P.104-105.

برای ایران، اکو به دلایل متعددی نه یک انتخاب که یک گزینه اجتناب ناپذیر برای دستیابی به اهداف توسعه منطقه‌ای است. گرچه ویژگی‌های جغرافیای سیاسی کشور و لزوم بهره‌برداری از آن در مناطق پیرامونی از طریق همکاری‌های اقتصادی، همواره زمینه‌های بالقوه‌ای را برای پیشبرد روابط اقتصادی خارجی ایران فراهم نموده‌اند، اما در حال حاضر این موضوع به دلیل الزامات ناشی از تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله- با هدف رساندن کشور به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه- و امکان استفاده از همکاری‌های منطقه‌ای بعنوان یک بازدارنده موثر برای تضمین امنیت سیاسی و اقتصادی کشور در مقابل تهدیدات فزاینده خارجی، از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. اکو، علاوه بر اینکه با برگزاری نشست‌های فراوان در سطوح مختلف سران، وزرای خارجه، وزرای بخشی، مقامات ارشد و کارشناسان، فرصت مناسبی را برای تبادل نظر و همفکری ایران و سایر کشورهای عضو در جهت شناسایی زمینه‌ها و اولویت‌های همکاری و افزایش تفاهم بین آنان فراهم نموده است، تنها سازمان بین‌الدولی مستقر در خاک جمهوری اسلامی ایران است که از طریق نقش محوری و تعیین کننده ایران، برنامه‌های خود را به جلو می‌برد. لذا دولت جمهوری اسلامی ایران به موضوع تقویت اکو بعنوان یک راهبرد ملی نگاه کرده و پیشبرد امور آن را در اولویت برنامه‌های سیاست خارجی خود قرار داده است.

در مورد همکاری‌ها در دریای خزر و بحث انتقال منابع انرژی منطقه به بازارهای جهانی نیز باید گفت که هر چند پیشرفتهایی در این زمینه صورت گرفته و بویژه در زمینه حفظ محیط‌زیست خزر توافقات اساسی حاصل شده است، اما مساله رژیم حقوقی و چگونگی بهره‌برداری و انتقال منابع انرژی از مباحث بسیار مهم و پیچیده‌ای است که توجه قدرتهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای را بخود جلب نموده است. بطور کلی، بررسی روابط اقتصادی ایران و کشورهای آسیای مرکزی در ابعاد دو جانبه و منطقه‌ای نشان می‌دهد که روند همکاری‌ها اگر چه رضایتبخش و مبتنی بر پتانسیل‌های فراوان موجود نبوده، اما از یک سیر صعودی تبعیت کرده است. در نتیجه، ایران امروز به شریک مهم تجاری اغلب این کشورها پس از روسیه و ترکیه تبدیل شده و از طریق همکاری‌های منطقه‌ای در چارچوب اکو و مبادلات انرژی نیز پیوندهای اقتصادی و فرهنگی خود را با آنها تحکیم بخشیده است.

مساله‌ای که در اینجا حائز اهمیت زیادی است، توضیح ماهیت و عوامل تاثیرگذار بر این تحولات است. با توجه به مطالب فوق، پایان‌نامه حاضر به دنبال بررسی وجوه اقتصادی رفتار

سیاست خارجی ایران در منطقه آسیای مرکزی طی سالهای پس از فروپاشی شوروی است. در این رابطه پرسش اصلی این است که آیا ایران توانسته است از فرصت های بوجود آمده (پس از استقلال جمهوریها) برای توسعه و تحکیم روابط سیاسی با آنان استفاده نماید؟ در این صورت چه عامل یا عواملی، نقش اصلی را در موفقیتها و ناکامیهای ایران بعهدہ داشته‌اند؟

هر چند در سالهای پس از فروپاشی شوروی، آثار زیادی در مورد شرایط سیاسی و اقتصادی جمهوریهای آسیای مرکزی منتشر گردیده‌اند، و مراکز مطالعاتی متعددی بویژه در کشورهای غربی تمام یا بخشی از فعالیتهای خود را بر پی‌گیری و تحلیل تحولات این کشورها قرار داده‌اند، با این حال، بسیاری از این نوشته‌ها به علت نو بودن موضوع و عدم آشنایی با منطقه در سیستم بسته شوروی، بیشتر توصیفی بوده است. بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر نیز ادبیات سیاسی منطقه از مولفه‌های سیاسی و امنیتی متاثر گردیده و مسائل اقتصادی در مرحله دوم اهمیت قرار گرفته است. باید توجه داشت، مهم‌ترین مساله اقتصادی که در ارتباط تنگاتنگ با موضوعات سیاسی و امنیتی مورد توجه واقع شده، مباحث انرژی و رقابتها برای دستیابی به منابع انرژی منطقه بوده است. از این موضوع در ادبیات رایج منطقه به «بازی بزرگ جدید» یاد می‌شود.

تا آنجا که به روابط اقتصادی ایران و جمهوریهای آسیای مرکزی- یعنی موضوع اصلی این پژوهش- مربوط می‌شود، ادبیات موجود چندان غنی نمی‌باشد. در میان مجموعه آثار و ادبیات موجود- در منابع داخلی یا خارجی- که به روشن شدن جنبه‌هایی از مناسبات و سیاستهای قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در کشورهای آسیای مرکزی پس از فروپاشی پرداخته‌اند، کمتر اثر علمی را می‌توان جستجو کرد که بطور خاص به روابط ایران و آسیای مرکزی آنهم از بعد اقتصادی پرداخته و روند تحولات در این زمینه را طی سالهای پس از استقلال جمهوریها ارزیابی و تحلیل کرده باشد. در واقع، به جز معدودی از کتابهای موجود به زبانهای خارجی و فارسی، در اکثر موارد تبیین سیاستها و مناسبات اقتصادی ایران با کشورهای آسیای مرکزی به طور خاص هدف نویسندگان نبوده است و تنها در لابلای موضوعات کلی‌تر، مناسبات ایران با کشورهای منطقه نیز مورد توجه قرار گرفته است. این مساله تا حدود زیادی در رابطه با بررسی عملکرد اکو نیز صدق می‌کند. در معدود مقالات موجود نیز بیشتر به شکل کلی و بدون اتکاء به اطلاعات دقیق و قابل واریسی علمی، به روابط اقتصادی ایران و آسیای مرکزی پرداخته شده است. بنابراین، دیپلماسی اقتصادی ایران در آسیای مرکزی وجه ناشناخته سیاست خارجی ایران است که هنوز اثر در خور

توجهی در مورد آن منتشر نشده است. لذا هدف این پژوهش آن است که با توجه به فقدان تبیین علمی قابل اتکاء در زبان فارسی و اشارات کلی یا مبهم آثار خارجی به وجوه اقتصادی روابط ایران و کشورهای منطقه، با بررسی تاثیر عوامل اقتصادی بر سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی، این نقیصه را تا حدودی مرتفع نماید.

با توجه به آنچه گفته شد، در پاسخ به سؤال اصلی مطرح شده، فرضیه اصلی پژوهش این است که «افزایش توجه به دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی ایران (برجسته شدن همکاریهای اقتصادی در سیاست خارجی) طی یکدهه گذشته، به گسترش روابط ایران با کشورهای آسیای مرکزی در ابعاد دو جانبه و منطقه‌ای منجر شده است». فرضیه‌های جانشین رقیب قابل طرح نیز عبارتند از:

۱- نیازها و مشکلات داخلی کشورهای آسیای مرکزی به گسترش همه جانبه روابط اقتصادی آنها و ایران انجامیده است.

۲- پیوندهای دیرینه فرهنگی- مذهبی و گسترش روابط سیاسی و امنیتی ایران و کشورهای آسیای مرکزی، نقش اصلی را در روابط فیما بین داشته است.

برای سنجش فرضیه‌های اصلی و رقیب از دو روش ابطالی و اثباتی استفاده می‌کنیم. بدین ترتیب که با استفاده از داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده به ابطال هر یک از فرضیه‌های جانشین رقیب می‌پردازیم. در مورد فرضیه اصلی نیز به روش مثبت عمل خواهیم کرد. از آنجا که فرضیه اصلی، تاثیر تحولات دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی بر روابط ایران و آسیای مرکزی است، تعدادی شاخص را برای اندازه‌گیری میزان تاثیرات دیپلماسی اقتصادی- بعنوان متغیر اصلی دخیل- تعیین می‌کنیم و تحولات مربوط به تحقق این شاخص‌ها را در مقاطع زمانی مختلف دنبال می‌نمائیم. بطور کلی، شاخص‌های عامی که در این پژوهش برای دیپلماسی اقتصادی در نظر می‌گیریم، عبارتند از: ظرفیت سازی و برنامه‌ریزی برای توسعه روابط اقتصادی از طریق کمیسیون‌های مشترک اقتصادی، تعامل با اقتصاد جهانی و دستیابی به بازارهای صادراتی، دیپلماسی انرژی و دیپلماسی همکاریهای منطقه‌ای (و چند جانبه)، با توجه به کمیت‌پذیری اغلب این شاخص‌ها، با جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مربوط به هر شاخص و رده‌بندی و تحلیل آنها می‌کوشیم رابطه همبستگی یا عدم همبستگی میان آنها و روابط ایران و آسیای مرکزی را نشان دهیم. داده‌های مختلف با استفاده از منابع دست اول (شامل اسناد و مدارک، سالنامه‌های آماری و

پرونده‌های وزارت امور خارجه) و منابع دست دوم (شامل کتابها، مقالات و گزارشها) جمع‌آوری خواهند شد. در این مسیر، از روش‌های تجربیات عملی، روش‌های آماری و نمودارهای مختلف نیز برای رده‌بندی، تحلیل و توضیح رابطه همبستگی میان داده‌ها استفاده خواهیم کرد.

ساختار این پژوهش در دو بخش تنظیم گردیده است. در بخش اول با عنوان: آسیای مرکزی پس از فروپاشی و اهداف ایران، طی سه فصل جداگانه، موضوعات مربوط به تحول در اهمیت و نقش دیپلماسی اقتصادی در روابط بین‌الملل، شرایط و تحولات سیاسی و اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی پس از استقلال و سیاستها و اهداف ایران در آسیای مرکزی مطرح می‌شوند. بخش دوم تحت عنوان: دیپلماسی اقتصادی ایران در آسیای مرکزی، در دو فصل به بررسی ابعاد مختلف این موضوع بعنوان فرضیه اصلی پژوهش می‌پردازد. فصل اول سیر تحول دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی ایران، را بررسی می‌نماید، فصل دوم به تحولات روابط اقتصادی ایران و کشورهای آسیای مرکزی طی دوران ۱۵ ساله پس از استقلال این کشورها در ابعاد دو جانبه و منطقه‌ای می‌پردازد و در این رابطه روند همکاریهای منطقه‌ای در اکو و حوزه خزر نیز بررسی می‌شود. بخش پایانی پژوهش نیز به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

● بخش اول

آسیای مرکزی پس از فروپاشی
و اهداف ایران

فصل اول

تحول در اهمیت و نقش دیپلماسی اقتصادی

مقدمه

غالباً وقتی از دیپلماسی سخن به میان می‌آید، مسائل مربوط به سیاست و سیاست خارجی در ذهن متبادر می‌گردد. آیا این سه مفهوم یکی هستند؟ رابطه آنها با یکدیگر چگونه است؟ اصولاً دیپلماسی برای چیست و چه هدفهایی را دنبال می‌کند؟ آیا ماهیت دیپلماسی در طول تاریخ روابط بین‌الملل همواره ثابت بوده است؟ در غیر اینصورت، دیپلماسی چه مسیر و فرآیندی را طی کرده تا به شکل امروز در دسترس واحدهای سیاسی قرار گیرد؟ جهانی شدن چه تاثیری بر ماهیت و کارکرد دیپلماسی داشته است؟ آیا این تاثیر در جهت افزایش توجه به اهداف و مناسبات اقتصادی در روابط بین واحدهای سیاسی بوده است؟ ارائه پاسخهای مناسب به این سئوالات برای درک بهتر مفهوم و ماهیت دیپلماسی ضروری است. از آنجا که موضوع این رساله به مباحث حوزه عمل دیپلماسی و سیاست خارجی می‌پردازد، در این فصل تلاش خواهیم کرد تا ضمن پاسخگویی به سئوالات مطرح شده، ابعاد، کارکردها و سیر تحول تاریخی دیپلماسی بویژه دیپلماسی اقتصادی را در روابط بین‌الملل معاصر مورد بررسی قرار دهیم.

۱- واژه‌شناسی دیپلماسی

کلمه «دیپلماسی» به مفهوم امروزی حدود دویست سال است که وارد زبانهای اروپایی و غیر اروپایی شده است. ریشه لغوی دیپلماسی از کلمه یونانی «دیپلما»^۱ گرفته شده که به معنی کاغذ تا خورده و یا تصدیق و گواهینامه بوده است. در یونان قدیم، دیپلما به معنی گواهینامه‌ای بود که در پایان یک دوره مطالعاتی به افراد اعطا می‌شد و معمولاً بصورت یک ورقه تا خورده بود.^۲ دیپلماسی در فرهنگ لغات انگلیسی عبارتست از سیاستمداری، تدبیر و کاردانی، فعالیت در مسائل

1-Diploma.

2-Simon Szykman, Diplomacy: A Historical Perspective, The Zine, (Spring 1995), P.1-(www.Diplom. Org/Zine).

سیاست خارجی و در مفهوم عام و کلی به معنی تدبیر و فن مدیریت بین واحدهای سیاسی و تنظیم و اداره امور بین‌الملل از راههای مسالمت‌آمیز مانند مذاکرات سیاسی برای اتحاد، عقد قرارداد و عهدنامه‌ها است. دیپلماسی در مفهوم گسترده‌تر آن مترادف واژه انگلیسی (TACT) به معنی تدبیر و توانایی درک موقعیت و حساسیت اوضاع و احوال، تنظیم گفتار و کردار و آداب معاشرت، با توجه به وضعیت و به بهترین وجه ممکن می‌باشد.^۱ در زبان فارسی، کلمه دیپلماسی از نظر ریشه لغوی به دو صورت مورد استفاده قرار گرفته است. اولی از متون یونانی گرفته شده و به معنی «دفتر» است که با مفهوم کاغذهای تاخوردۀ ارتباط پیدا می‌کند و دیگری با عنوان «دیپلم» که کاربرد جدیدتری دارد، از طریق ترجمه متون فرانسوی وارد زبان فارسی شده و مفهوم آن تصدیق یا گواهی پایان تحصیلات (متوسطه) است.^۲

دیپلماسی در زبانهای اروپایی تا اواخر قرن هیجدهم به معنی علم مطالعه اسناد و مدارک بود ولی از آن پس به مفهوم علم اداره روابط بین‌الملل بکار گرفته شد. ارتباط دیپلماسی به معنی علم اسناد و مدارک و دیپلماسی به معنی جدید- تنظیم روابط بین‌الملل- شاید از این جهت باشد که طی دو الی سه قرن گذشته با از بین رفتن نظام فئودالی و پدیدار شدن دولتهای جدید در اروپا، سلاطین در صدد برآمدند به اسناد مدارک و اسناد قدیم و قرون وسطایی، حقوق و قلمرو نفوذ سرزمین خود را گسترش دهند و دعاوی موروثی خویش را به اثبات برسانند. شغل کسانی که وظیفه رسیدگی به این اسناد و مدارک تاریخی و مهر و موم آنها را بعهدۀ داشتند، دیپلماسی نامیده می‌شد.^۳ از سوی دیگر، این افراد با کسانی که مامور مذاکره با دول خارجی و انشاء اسناد و قراردادهای بودند، شباهت شغلی داشته و کارشان نیز بنحوی به هم ارتباط می‌یافت. بتدریج دامنه محدود دیپلماسی به مفهوم اول به قلمرو وسیع دیپلماسی به مفهوم دوم تبدیل و تعمیم یافت. امروزه، مفهوم قدیمی دیپلماسی که علم بررسی مدارک و اسناد است، تحت الشعاع مفهوم جدید- که تنظیم و اداره روابط بین‌الملل است- قرار گرفته، بطوری که از کلمه دیپلماسی در زبانهای رایج فقط مفهوم دوم منظور است و ما نیز در این پژوهش منحصرأ همین مفهوم را بکار می‌بریم.

دیپلماسی، امروزه یک اصطلاح شناخته شده بین‌المللی بوده و در فارسی نیز به همین شکل بکار گرفته می‌شود. کلمه دیپلماتیک هم که صفت دیپلماسی است، در زبان فارسی اغلب به واژه «سیاسی» ترجمه می‌شود که این امر دقت کافی را در بر ندارد. از سوی دیگر، روابط سیاسی

۱- علی اصغر کاظمی، مدیریت بحرانهای بین‌المللی، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۶)، ص ۱۲۱. همچنین رک. به: فرهنگ انگلیسی- فارسی اکسفورد، ترجمه اکبر ایران‌پناه، (تهران، مژده، ۱۳۷۶) ص ۱۷۳.

۲- دیپلماسی عملی و تشریفات، ج اول، (اداره کل تشریفات وزارت امور خارجه، اسفند ۱۳۷۳)، ص ۹.

۳- همان، ص ۱۰.